زبان یار اربعین

شامل :

بیش از ۲۵۰ عبارت مفید و ضروری مخصوص ایام اربعین

بسم الله

عزت حسینی علیه‌السلام

مغناطیس پُرجاذبه‌ی حسینی، اولین دل‌ها را در اربعین به سوی خود جذب کرد؛ رفتن جابربن‌عبدالله و عطیّه به زیارت امام حسین در روز اربعین، سرآغاز حرکت پُربرکتی بود که در طول قرن‌ها تا امروز، پیوسته و پی‌درپی این حرکت پُرشکوه‌تر، پُرجاذبه‌تر و پُرشورتر شده است و نام و یاد عاشورا را روزبه‌روز در دنیا زنده‌تر کرده است.

رهبر انقلاب اسلامی
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

۱۳۸۵/۰۱/۰۱

قال النبی حسین منی و انا من حسین

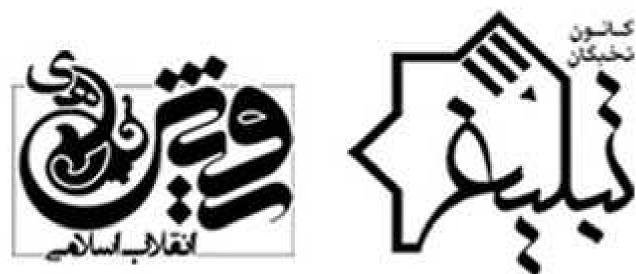
تهیه و تنظیم : کانون نخبگان تبلیغ /
مجتمع آموزشی رویش های انقلاب اسلامی
/ کمیته ی فرهنگی و آموزشی ستاد اربعین

به کوشش : طه قدوسی

طرح جلد و صفحه آرایی : محسن بهرامی

ویراستار : سید علی حسینی، ابوالفضل حاج عبدالصمد

مترجم : سید مِقدام حیدری



کانون نخبگان تبلیغ

فهرست مطالب :

مقدمـــه

زیارت اربعین حسینی که در روایت نورانی امام حسن عسکری علیه السلام یکی از نشانه های مومن قلمداد شده است، چند سالیست که به فضل الهی در بین عموم شیعیان و محبین حضرت سیدالشهداء علیه السلام فراگیر و با آیین با شکوه پیاده روی از مکان های مختلف به سمت کربلای معلا همراه شده است.

هر ساله شاهد جمعیت میلیونی زوار حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام هستیم که توسط ملت با کرامت عراق مورد پذیرایی و استقبال قرار می گیرند و حجم بالای جمعیت و مهمان نوازی مخلصانه و کریمانه ملت عراق که به صورت مردمی و بدون کوچکترین حادثه در نهایت هماهنگی صورت می پذیرد، انگشت حیرت هر بیننده ای را به دندان می گیرد.

فرصت پیاده روی اربعین و حضور جمعیت میلیونی عاشقان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در موکب های حسینی فرصت مناسبی است که در صورت استفاده مناسب زمینه ارتباط حداکثری امت اسلامی و تقویت و استحکام روابط را محقق می کند.

بر سر راه این مهم قفل بزرگ اختلاف زبانی وجود دارد که مانع ارتباط بیشتر و صمیمانه تر ملت ها و ملت عراق می گردد.

بارها شاهد آن بوده ایم که جماعتی از مردم ایران در خانه ای و یا موکبی مورد پذیرایی قرار گرفته اند، ولی توان تشکر و قدردانی از زحمات میزبان و ارتباط برقرار کردن با او را که منجر به رفاقت و صمیمیت دائمی بین آنها باشد را نداشته اند تا شاید روزی میزبان آنها در یکی از شهرهای ایران اسلامی باشند.

مجموعه ای که پیش روی شماست شامل بیش از ۲۵۰ عبارت مفید و ضروری مخصوص ایام اربعین حسینی است که توسط دانش آموزان مجتمع آموزشی رویش های انقلاب اسلامی برای زائر اربعین جمع آوری و ترجمه گردیده است.

امتیاز ویژه آن این است که عبارات مورد نیاز از زبان فارسی هم به زبان عربی فصیح و هم لهجه محلی عراقی ترجمه گردیده است.

ویژگی دیگر این کتاب بخش جملات تعارفی و محبت آمیز است.

مردمان عراق، مردمانی خونگرم و تشنه محبت هستند و در قبال این نوع جملات واکنش های بسیار خوب و مهربانانه ای از خود نشان می دهند.

پیشنهاد های مشفقانه شما عزیزان در جهت هر چه بهتر شدن این جزوه برای سال های آینده را پذیرا هستیم.

با تشکر از همه اساتید، که مشوق انجام این کار بودند.

طه قدوسی

۱۶آبان ۹۴

احوال پرسی

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
سلام صبح به خیر / شب به خیر	السلام علیکم وصبحکم الله بالخیر / مسّاکم الله بالخیر	
حالت چه طور است؟	کیف الحال؟	شْلون الصّحهٔ؟
خوب هستی ان شاءالله؟	بخیر إن شاء الله؟	إن شاالله زِین؟
ممنون خوبم	شکرا بخیر	شکرا زین
الحمدالله که سلامت هستی	الحمد لله علی سلامتک	
هوا خیلی گرم / سرد است	الجوّ حار / بارد جدّا	الجوّ هوایه حار / بارد
خسته شدی؟	هل تعبت؟	تِعَبِت؟
بله خیلی / نه اصلا	نعم تعبت کثیرا / لا أبداً	إی تعبت هوایه / لا أبدا
اسمت چیه؟ (اسم کریمت چیه؟)	ما اسمک؟ ما اسمک الکریم؟	شِسْمَک؟ شِنو اسمکم الکریم؟
از کجا آمده ای؟	من أین أتیت؟	من وین جای؟
اهل کجا هستی؟	من أی بلد أنت؟	إنتَ من وین؟ من یا بلد؟ من یا مدینهٔ؟
من ایرانی هستم	أنا إیرانی	آنی إیرانی
من اهل شهر قم / تهران ... هستم	أنا من مدینهٔ قم / طهران ...	آنی من مدینهٔ قم / طهران ...
به چه شهرهایی می خواهی بروی؟	إلی أیّ مدن ترید أن تذهب؟	لْیا مُدُن تْرید تْروح؟
من به کربلا میروم(نجف)	أنا ذاهب إلی کربلاء / النجف.	آنی رایح لکربله / للنجف
چند روز است که در راه هستی؟ (چند روزه که این جایی)	کم یوم وأنت فی الطریق؟ کم یوم وأنت هنا؟	صار لک کم (چم) یوم بالطریق؟ صار لک کم یوم هْنا (إهْنا)
چند سالت است؟	کم عمرک؟	شْگَد عُمْرَک؟

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
ببخشید من عربی ام زیاد خوب نیست	عفوا أنا لا أجید العربیۀ	عفوا عربیتی مو زینه/ مو جیدۀ
می تونی انگلیسی صحبت کنی؟	هل تستطیع أن تتکلم بالانجلیزی؟	تگدر تحچی انگلیزی؟
شما چه کاره هستید؟	ما هو شغلک؟	شنو شغلک؟
دانش آموز/ دانشجو/ طلبه/ کاسب/ کارمند/ معلم/ بازنشسته	طالب/ طالب جامعی/ طالب فی الحوزۀ/ تاجر / موظّف/ معلّم/ متقاعِد	
اوضاع عراق چطوراست؟	کیف الأوضاع فی العراق؟	شلونها أوضاع العراق؟ شنو أوضاع العراق؟
چه خبر از داعش خبیث؟	ما هی أخبار داعش الخبیثۀ؟	شاخبار (شَخبار) داعش؟
چه استان هایی الان دست داعش هست؟	ما هی المحافظات التی سقطت بید داعش؟	هِسَّه یا محافظات بید داعش؟
سامرا الان امنیت دارد؟	هل سامراء آمنۀ؟	سامرّه آمنۀ الآن؟
چطور می تونم برم سامرا؟	کیف أستطیع الذهاب إلی سامراء؟	شلون أگدر أروح لسامرّۀ؟
تو کربلا/ نجف اسکان سراغ دارید؟	هل تعرف عن سکن فی کربلاء/ النجف؟	تُعْرًف سَکَن بکربلاء (بکربله)/ بالنجف؟
هزینه ات چقدر شده است؟	کم بلغ مصرفک؟	شگد صار مصرفک؟
آیا ازدواج کردی؟	هل أنت متزوج؟	متزوّج؟/ إنتَ متزوّج؟
نه مجردم/بله متاهلم	لا أنا أعزب/ نعم متزوّج	لا ممتزوّج/ إی متزوّج.
چند تا بچه داری؟	کم لدیک من أطفال؟	شگد عندک...؟
دختر یا پسر؟	ذکور أم إناث؟	وِلِد لو بنات؟

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
اسم بچه هات چی هست؟	ما اسم أطفالک؟	شإسِمهُم (شِسِمهُم)أطفالک؟
چند سالشون هست؟	کم عمرهم؟	شگد عُمُرْهُم؟
مدرسه میروند؟ کلاس چندم اند؟	هل یذهبون إلى المدرسة؟ فی أی سنة دراسیة یدرسون؟	یرحون للمدرسة؟ بْیا سنة یْدُرسون؟
ابتدایی / راهنمایی / دبیرستان	ابتدائیة / متوسطة / ثانویّة	
این شماره تلفن من است	هذا رقم هاتفی	هذا (هاذه) رقم موبایلی
این آدرس من در شهر (قم) است	هذا عنوانی فی مدینة قم	هذا عنوانی بْقُم
اگر ایران اومدی حتما بیا منزل ما	إذا زرت إیران فتفضّل فی بیتنا أکیدا	إذا جیت لإیران أکید عود تعال لبیتنا
این کارت و شماره تماس من است	هذه بطاقتی ورقم هاتفی	هاذی بطاقتی ورقم الاتصال بِیَّه
آدرست کجاست؟	أین عنوانک؟	وین عنوانک؟
ممکنه شماره تلفنتون رو داشته باشم؟	هل یمکن أن تعطینی رقم هاتفک؟	ممکن آخُذ رقم موبایلَک؟
او کیست؟	من هو؟	هذا (هاذه) منو؟
باکی اومدی پیاده روی؟	مع من مشیت الطریق؟	وُیّا مَن جیت مشّایة.
تنهایی / باخانواده / با دوستان / با یک کاروان زیارتی	وحدک(وحدی) / مع الأسرة (مع العائلة) / مع الأصدقاء (الإخوة) / مع حملة زیارة	... ویا الأسرة/ ویّا...
این چیه؟	ما هذا؟	هذا شنو؟
بفرمایین (آب/چایی/قهوه)	تفضل ماء / شای / قهوة	مای / چای / گهوه
ماساژ نیاز داری؟ ماساژت بدهم؟	هل أدلّک جسمک؟ هل تحتاج إلی تدلیک؟	تْرید أدَلّکْلَک / ترید أمَرِّخْلَک؟ / تِحتاج تدلیلک/تمریخ/مساج؟

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
بفرمایین این پول را برای امام حسین نذر کردم	تفضل هذه النقود، فقد نذرتها للإمام الحسین(ع)	تفضّل، ناذر هاذی الِفْلوس لِلحْسِین(ع)
آیا کمک احتیاج دارید؟	هل تحتاجون إلی خدمة؟	تِحتاجون خِدمة؟
موکب سرویس بهداشتی و حمام دارد؟	هل الموکب جاهز بمرافق الصحّة والحمّام؟	الموکب بی مرافق (توالیتات) وحمّام؟
بفرمایین(برای احترام در سرویس بهداشتی)	تکرّم/ تکرّموا *	
خدا از شما قبول کند	تقبّل الله أعمالکم	الله یتقبل منکم

* تفضّل برای غذا خوردن و وارد شدن به اتاق و خانه است، برای دستشویی فقط از این فعل استفاده کنید.

ارتباطات الکترونیکی و تبدیل ارز

(تلفن – سیم کارت – کارت شارژ – اینترنت – صرافی)

عربی عراقی	عربی فصیح	فارسی
وین يْبيعون شرائح؟	أين تباع شرائح للجوّال؟ *	کجا می تونم سیم کارت عراقی بخرم؟
	أريد شريحةً؟	سیمکارت عراقی می خواهم
ممكن تْفَعّل لِيّاها؟	هل يمكن أن تفعّلها لي؟	میشه برام فعالش کنی؟
شگد بيهه رصيد؟	كم مبلغ رصيدها؟	چقدر شارژ داره؟
شْلون أفَعّل الانترنت مالِ الْخَط؟	كيف أستطيع أن أفعّل الانترنت فيها؟	اینترنتش رو چطورفعال کنم؟
أريد رصيد.	أريد رصيدا.	کارت شارژ می خواهم
تِگْدَر تْدَخِّل لي الرّصيد من فضلَك؟	هل يمكن أن تدخل لي رقم الصيد؟	می شود این شارژ را برای من وارد کنید؟
شْگَد سِعرَه؟	كم سعره؟	قیمت آن چه قدر است؟
وين أگدر أشْحَن موبايلي؟ وين نقطةِ الْكهرباء؟	أين أستطيع أن أشحن جوّالي؟ أين نقطة الكهرباء؟	کجا می تونم موبایلم رو شارژ کنم(پریز برق کجاست؟)
	أريد شاحنةً.	شارژر می خواستم
أكو هنا خط أنترنت؟ آني محتاج أنترنت	هل يوجد هنا خط الإنترنت؟ أنا بحاجةً إلى إنترنت	آیا این جا اینترنت دارد؟ (من اینترنت نیاز دارم)
وين تِحصَل شبكةْ واي فاي؟	أين توجد شبكةً wifi	کجامیتونم wifi پیدا کنم؟
أگدر أتصل بجهازك؟	هل يمكن أن اتّصل بجهازك؟	میتونم باگوشیتون یه تماس بگیرم؟

* قید عراقی در کشور عراق نیاز نیست، چنان چه شما در ایران هیچ گاه نمی گویید سیم کارت ایرانی می خواهم.

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
من دوستم رو گم کردم شارژم هم تموم شده	أنا قد ضيّعت صديقي وقد انتهى رصيدي	آني مضيّع صديقي و موبايلي خلصان شحنه/ خلصان رصيده
تاكسى هاى نجف/ كربلا كجا مى ايستند؟	أين تقف سيّارات كربلاء/ النجف؟	وين توگف تكاسي النجف/ كربلاء؟
تاكسى مى خواستم براى نجف/كربلا/....	أريد سيارةَ تكسي إلى النجف/ كربلاء	
كرايه تا كربلا/نجف/... چه قدر است؟	بكم الأجرةُ إلى كربلاء/ النجف؟	شگد الكروة للنجف/ لكربلاء؟
وسيله هايم زياد است	متاعي كثير	غراضي هوايه
بايد بزارم صندوق عقب	لابدّ أن أضعها في الصندوق الخلفي.	لازم أخليها بالصندوگ الوره.
گران است / تخفيف بده	غال/ خفّض	غالي/ خفّض
من را سوار كن/اورا سوار كن	ركّبني/ ركّبه	
ميشه اين سى دى/ فلش رو بزاريد؟	هل يمكن أن تدخل هذا السي دي/ الفلش؟	تگدر تحط هذا السي دي/ الفلش؟/ تگدر تدگ...
صداش رو زيادكنيد/كم كنيد	صعّد صوته/ أخفض صوته	عَلّي صوته
خيلى زيباست چه كسى اين صوت را خوانده؟	جميل جدّا. من هو الرادود (مداح)/ المُقرئ (قاري قرآن)	هوايه حلو. منو الّي دَيِقرَه
كرايه من چقدر مى شود؟	بكم صارت أجرتي؟	شگد صارت كَروتي؟

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
من این جا پیاده می شوم	أنا نازل هنا	آنی هْنا نازل/ يَمَّک نازل
اسم این خیابان چیست؟	ما اسم هذا الشارع؟	شسمه هذا الشارع؟
خیابان...... از کدام طرف است؟	الشارع ..... من أیّ اتجاه؟	شارع... من یا صوب؟
حرم از کدام طرف است؟	الحضرۀ من أی اتجاه؟	الحضرۀ من یا صوب؟
پیاده تا حرم چقدر طول می کشد؟	کم یستغرق التمشّی إلی الحضرۀ من وقت؟	المشی إلی الحضرۀ شگد یاخذ وَقِت؟
دست شویی کجاست (رستوران، سوپر مارکت، بیمارستان، نمازخانه، موکب، هتل)	أین توجد/یوجد مرافق/ مطعم، سوبر مارکت، مستشفی، مصلی، موکب، فندق	وین أکو مرافق/ مطعم، سوبر مارکت، مستشفی، مصلی، موکب، فندق

پزشکی ودارویي

عربی عراقی	عربی فصیح	فارسی
وين أكو صيدليّة، عيادة، مستشفى؟	أين توجد صيدليّة، عيادة، مستشفى؟	(داروخانه، مطب دكتر،بيمارستان) كجاست؟
يِحْصَل/ أكو طبيب هْنا؟	هل يوجد طبيب هنا؟	آيا اينجا دكتر هست؟
رِجلي مْفَرگِسَة/ رجلي مْبَطْبُطة	ظهرت بثور في رجلي.	پايم تاول زده است
أتصوَّر مِتْسَمِّم؟	أظن أني قد تسمّمت.	فكركنم مسموم شدم
راسي/ بلاعيمي/ بطني يوجعني/توجعني	أشعر بوجع في رأسي/ بلاعيمي/ بطني	من سرم/ گلويم/ شكمم درد می كند
آني عندي مرض قلب/ عنده مرض قلب	أنا عندي مرض القلب/ هو عنده مرض القلب	او/ من بيماری قلبی دارم
	عندي إسهال	اسهال دارم
آني منشول/ آني انَّشَلِت/ تْمَرَّضِت	اُصِبت بالزكام/ تمرّضت	سرما خوردم/ مريض شدم
صحتي مِتْدَهْوِرَة كُلِّش	صحتي سيئة جدّا	حالم خيلی بد است
عندي دوخه	عندي دوّار	سرگيجه دارم
أريد سيارة إسعاف.	أريد سيّارة الإسعاف.	آمبولانس می خواهم
	مغذي/إبرة/حبوب	سرم/آمپول/قرص
وين الطبيب؟	أين الطبيب؟	دكتر كجاست؟
عدكم حبوب للنشلة/ لوجع الراس/ مسكّن	هل لديكم حبوب للزكام/ وجع الرأس/ مسكّن	قرص سرماخوردگی/سردرد/مسكن داريد؟
ظهري يوجَعْني	ظهري يؤلمني.	من كمرم درد می كند
	عندي ديسك الظهر	من ديسك كمر دارم

انتقال معارف انقلابی

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
امروز باید با آمریکا وصهیونیست مبارزه کنیم	يجب أن نحارب أمريكا وإسرائيل اليوم / لازم نْحارُب أمريكه وإسرايل اليوم	
جهاد نعمتی است که خداوند به بندگان لایق خودش عطا می کند	الجهاد نعمۀ يمنحها الله لعباده اللائقين	الجهاد نعمۀ، الله ينطيها للّی يسْتاهْل
شهیدخوشبخت است و شهادت سعادت	الشهيد سعيد والشهادۀ سعادۀ	
داعش محصول مشترک آمریکا و وهابیت است	داعش إنتاج مشترک لأمريكا والوهّابيۀ	
وهابیت ثمره ی اسلام آمریکایی و انگلیسی است	الوهابيۀ وليدۀ الإسلام الأمريكی والإنجليزی	
شیعه ای که از لندن تبلیغ دین کند و از انگلیس کمک بگیرد شیعه نیست	الشيعی الذی يبلّغ دينه من لندن ويستلم دعما من انكلترا فليس بشيعی	الشيعی الّی يِبَلِّغْ دينَهْ من لندن وْيِسْتِلِمْ دَعِم من انگلتره فهذا مو شيعی
نظرشما در مورد قمه زنی چیست؟	ما رأيک حول التطبير؟	شنو رأيک بالتطبير؟
قمه زنی را حضرت آیت الله خامنه ای حرام کردند	سماحۀ السيد القائد آيۀ الله الخامنئی قد حرّم التطبير	سماحۀ السيد القائد مْحَرِّم التطبير
هم اکنون قمه زنی به ضرر شیعه در دنیا است	التطبير اليوم بضرر التشيّع فی العالم	هِسَّه التَّطبير بْضَرَرِ التَّشيّع
آیا کسی که با انگلیس وآمریکا مبارزه نمی کند شیعه است؟	هل من لا يحارب انكلترا وأمريكا شيعی حقّا؟	الّی مَيْحارُب انگلتره وأمريكه شيعی صُدُگ؟

عربی عراقی	عربی فصیح	فارسی
أمریکه وإسرائیل وداعش والوهابیهٔ کُلْهُم أعداء حزب الله	أمریکا وإسرائیل وداعش والوهّابیهٔ کلّهم أعداء لحرکهٔ حزب الله	آمریکا،اسراییل،داعش،وهابیت همگی مخالف جریان حزب الله هستند
الدواعش مو سنّهٔ، هَذوله جماعهٔ إرهابیهٔ	الدواعش لیسوا بسنّهٔ وإنما هم جماعهٔ إرهابیّهٔ	داعشی ها سنی نیستند یک گروه تروریستی هستند
لازِم الشیعهٔ والسِّنّهٔ یْحاربون الدّواعِش المَلاعین	لابدّ للشیعهٔ والسنّهٔ أن یحاربا الدواعش الخبثاء	شیعه وسنی باید با داعش خبیث وارد جنگ شوند
لازم الشیعهٔ والسّنهٔ یِتّحْدون	یجب علی الشیعهٔ والسنّهٔ أن یتحدّا معا	شیعه و سنی باید با یکدیگر متحد باشند
إیران من بدایهٔ الثورهٔ ولِحَد الآن بْخَطّ المقاومهٔ	ما زالت إیران منذ انتصار الثورهٔ ولحد الآن فی خطّ المقاومهٔ	ایران از اول انقلاب در خط مقاومت هست
عزهٔ إیران هاذی بْسَبَب ولایهٔ الفقیه	إن عزّهٔ إیران بسبب ولایهٔ الفقیه	این عزت کشور ایران بخاطر ولایت فقیه است
لازم الشباب العراقیّین یْدافْعون عنِ التشیّع	یجب علی الشباب العراقی أن یدافعوا عن التشیّع	جوانان عراقی باید از مکتب شیعه دفاع کنند
الإیرانیین واگفین وره الشعب العراقی بجبههٔ المقاومهٔ حتی النصر النهائی إن شاء الله	یقف الإیرانیون مع الشعب العراقی فی جبههٔ المقاومهٔ حتی الانتصار النهائی إن شاء الله	ایرانیها در کنار مقاومت مردم عراق تا پیروزی کامل هستند

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
ان شاءالله که هرچه زودتر ملت عراق پیروز شود	إن شاء الله ینتصر الشعب العراقی فی القریب العاجل	إن شاء الله یِنْتِصِر الشعبِ العراقی فی القریب العاجل
مردم عراق باید حول محور مرجعیت آیه الله سیستانی حرکت کنند	یجب علی الشعب العراقی أن یتحرّک حول محور مرجعیة آیة الله السیستانی دام ظله	لازِمِ الشَّعبِ العراقی یِتْحَرَّک حَولْ مِحْور مرجعیّة السید السیستانی الله یحفظه
خدا همه مجاهدین را حفظ کند	أسأل الله أن یحفظ المجاهدین جمیعا	الله یِحفَظ کُلِّ المجاهدین
تاحالا تو جبهه شرکت کردین؟	هل قد ذهبت إلی الجبهة لحد الآن؟	رایِح لِجَّبْهَة لیهِسَّه؟
در کدام مناطق؟	فی أی مناطق؟	بْیا مناطق؟
خوش به حال شما	هنیئا لک/ لکم	نْیالَکْ/ نْیالْکُم
جهاد در راه خدا دری است از درهای بهشت که خدا به روی بندگان خاص خودش باز می کند	عن أمیر المؤمنین(ع): إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِیَائِهِ.	
سردارسلیمانی در کشور ما خیلی محبوب است	الجنرال قاسم سلیمانی له شعبیّة کبیرة فی بلدنا	قاسم سلیمانی إله شعبیّة کبیره بْبَلَدنَه
ایران از اول انقلاب همه ی مردمان مظلوم دنیارا حمایت می کند	تدافع إیران منذ انتصار الثورة ولحدّ الآن عن الشعوب المظلومة فی العالم	إیران من بدایة الثورة ادّافع عن مظلومی العالم
خداوند امام خمینی را رحمت کند	رحمة الله علی الإمام الخمینی / الله یرحم الإمام الخمینی	

اسکان

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
می دونی هتل ارزان کجامی تونم پیدا کنم؟	هل تعرف أین أستطیع أن أجد فندقا رخیصا؟	تِدری وین أگدَر ألْگِی فُنْدُق رِخیص؟
آیا اتاق خالی دارید؟	هل لدیکم غرف فارغة؟	عندک/ عِدکُم غرفة فارْغَة؟
چه امکاناتی دارد؟	ما هی إمکاناتها / تجهیزاتها	شنو إمکاناتْهه / تجهیزاتْهه
کجامیتونم هتل با اتاق خالی پیدا کنم؟	أین أستطیع أن أجد فندقا بغرف فارغة؟	وین أگدر ألگی فندق بی غُرَف فارْغة؟
کی اتاق خالی دارید؟	متی تتوفّر لک غرف فارغة؟	شْوَکِتْ تْصیرْ عِنْدَک غرف فارغة؟
اتاق کی آماده می شود؟	متی تحضر الغرفة؟ متی تکون الغرفة جاهزة؟	شْوَکِت تِحْضَرِ الْغرفة؟
کرایه ی آن شبی چقدر است؟	بکم أجرتها لیلیّا؟	شْگَد أجْرَتْهَه بْکُل لیلَة؟
خوب است. اتاق را می خواهم	جیّدة. أرید الغرفة	زینه. أرید الغرفة
نه، قیمت آن زیاد است	لا، سعرها غالٍ	لا، سعرهه غالی
ارزان تر ندارید؟/تخفیف نمی دهید؟	ألا توجد لدیکم غرف أرخص؟/ ألا تخفّض؟	ما عدکم غرف أرخص؟/ مَتْخَفِّض؟
آسانسور هم دارید؟	هل لدیکم مَصعَد؟	مَصْعَدْ هَم عِدْکُم.

درمرز

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
بفرمایید، این گذر نامه ی من است	**تفضّل هذا جوازي.**	
برای اربعین آمده ام	**جئت لزيارة الأربعين.**	**جيت لزيارة الأربعين.**
کی اجازه ی ورود می دهید؟	**متى تسمحون لنا بالدخول؟**	**شوَكِت تْخَلّونا نِدْخُل؟**

جملات محبت آمیز و تعارفی

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
شما عراقی ها درقله های عزت هستید	أنتم العراقیین فی قمّة العزّ والکرامة	إنتو العراقیین بقمّة العزّ والکرامة
شما مردمی شجاع ودلیرهستید	أنتم شعبٌ شجاع وبَطَل	إنتو شَعَبْ شجاع وبطل
شما درقله های کرامت هستید		أنتم فی قمّة الکرامة./ إنتو بقمّة الکرامة
کرامت شما در دنیا بی نظیر است	کرمکم لیس له نظیر فی العالم	کَرَمْکُم ما إلَه نظیر بالعالم
خدا پدر و مادرت رو بیامرزه	الله یرحم والدیک	
شما افتخار ما هستید	أنتم فخر لنا/ أنتم مفخرة لنا	إنتو فَخَر إلنَه/ إنتو مفخرة إلنه
خدا اجرت بده	مأجور/ مأجورین	
خسته نباشی / زنده باشی / نوش جونت	الله یساعدک / حیاک الله / هنیئا	
خیلی زحمت کشیدید ممنون	صارت زحمة علیکم، شکرا جزیلا	
شما برادران ما هستید	أنتم إخوتنا	إنتو إخْوَتْنَه
ما ایرانی ها خیلی شما رو دوست داریم	نحن الإیرانیین نحبّکم کثیرا	إحنه الإیرانیّین هوایَه نْحِبْکُم
زنده باد عراق وملت غیور عراق	عاش العراق وَعاش شعبَهُ الغیور	عاش العراق وْعاش شعبَهْ الغیور
خدا از شما قبول کند	تقبّل الله منکم/ تقبّل الله أعمالکم	
بفرمایین اول شما	تقدّم/ تقدّموا	
اجرتان با امام حسین(ع)	أجرکم علی أبی عبد الله الحسین(ع)	
خوشمزه بود دست شما درد نکنه	کان لذیذا جدّا، عاشت یداک	کُلِّش طَیِّب چان عاشت اِیدَک

ضرب المثل های عربی

عاقبت جوینده یابنده بود	مَنْ طَلَبَ شیئاً وَ جَدَّ وَجَدَ
هر که با حق در افتد ور افتد	مَنْ صارَعَ الحقّ صَرَعَـــهُ
یک دست صدا ندارد	اليَــدُ الواحدةُ لا تُـــصفّق
گل بی‌خار خداست	من طلب أخاً بلا عيب بقى بلا أخ
چاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی	من حَفَرَ بئراً لأخيه وَقَعَ فيها
گنج خواهی در طلب رنجی ببر	من طلب العُلى سَهِرَ الليالى
هر سخنی جایی و هر نکته مکانی دارد	لكلّ مقام مقال
حرف حرف میاره	الكلام يجرّ الكلام
هیچ کس نمی‌گوید ماست من ترش است	لا يمدح العروسَ إلّا أهلُها
دست بالای دست بسیار است	لكلّ فرعون موسى
زخم زبان از زخم شمشیر بدتر است	كلم اللسان أنكى مِن كلم السنان
کار امروز را به فردا میفکن	لا تؤخّر عمل اليوم إلى غدٍ
نو که آمد به بازار کهنه شود دل آزار	لكلّ جديد لذّة
آدم خردمند دوبار از یک سوراخ نیش نمی خورد	لا يُلدَغُ العاقلُ من جُحر مرّتين
دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی	عند الشدائد تعرف الإخوان
کبوتر با کبوتر باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز	الطيور على أشكالها تقعُ
گر صبر کنی زغوره حلوا سازی	الصبر مفتاح الفرج

آشکارتر از خورشید است	أظهرُ من الشمس
بهترین مردم کسی است که به مردم نفعی برساند	خیر الناس من ینفع الناس
سیلی نقد به ازحلوای نسیه	بیضةُ الیوم خیر من دجاجةُ الغَد
سکوت علامت رضاست	السکوت أخو الرّضا
قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود	حبه حبه تصبح قبه
اندازه نگهدار که اندازه نکوست هم لایق دشمن است و هم لایق دوست	خیر الأمور أوسطها
در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست	خیر البرّ عاجله
کم گوی و گزیده گوی چون دُرّ تا ز اندک تو جهان شود پر	خیر الکلام ما قلّ و دلّ
مخالفت کن تا مشهور شوی	خالِفْ تُعْرَف
ماهی را هر موقع از آب بگیری تازه است	لم یَفُتْ مَن لَمْ یَمُتْ
آب رفته به جوی نیاید	الفائتُ لا یُستَدْرَکُ
آب در هاون کوفتن - باد در قفس کردن	کالقابِضِ علی الماء
دل به دل راه دار	مِنَ القَلبِ الی القَلبِ
آشپز که دو تا شد آش یا شور می‌شود یا بی نمک	مِن کثَرهِ مَلّاحِیها غَرقتِ السَّفینهُ
هر سگ به درخانه خویش است دلیر	کلٌ کَلْبٍ ببابه نَبّاحٌ
بگو با که‌ای، تا بگویم که‌ای - تو اول بگو با کیان زیستی پس آنکه بگویم که کیستی؟	المَرْءُ بَخلیلهِ
کاچی به از هیچی	مَنْ یَمْشِ یَرْضَ بِما رَکِبَ

پایان شب سیه سفید است	الغَمراتُ ثمَّ یَنْجَلینَ
کار را باید به کاردان سپرد	اَعْطِ القَوسَ بارِیها
قدر زر زرگر شناسد	لا تَطرَحِ الدُّرّ اَمام الکَلْبِ
آب دریا را اگر نتوان کشید – هم به قدر تشنگی باید چشید	ما لا یُدرَک کلُّه لا یُترک کلُّه
گذشته ها گذشته	الماضِی لا یُذکَرُ
همه را برق می‌گیرد ما را چراغ نفتی	یأکَلْنی سَبُعٌ ولا یأکلنُی کلبٌ
اگر لب دریا بروی خشک می‌شود	لواِتّجرتَ بالأکفان ما ماتَ احد
جواب ابلهان خاموشی است	ترکُ الجواب علی الجاهل جواب
هر که با حق درافتد ور افتد	مَنْ صَارَع الحقَّ صَرَعَه
تو که لالایی بلدی چرا خوابت نمی‌برد؟!	یا طَبیبُ طِبَّ نَفْسَک
کار را که کرد ؟ آن که تمام کرد	الأعمال بِخَواتِمها
هشتش گروی نه است	غَداؤهُ مرهونٌ بَعَشائهِ
پیری و هزار عیب	الشّیبُ کُلّه عیبٌ. یا شایب و عایب .
نمک خوردی و نمکدان شکستی	اَکَلْتُم تَـمْری و عَصیْتُم أمـــری.
دستش به انگور نمی رسد می گوید : ترش است	العُنْقُود العَالی حُصْرُمُ.
هر گردی ، گردو نیست	ما کلُّ بَیضاءَ شَحْمَةٌ
شنیدن کی بود مانند دیدن	لیسَ الخبرُ کَالمُعایَنهْ.

اعداد و ایام هفته

اعداد ترتیبی	
اول	(مذکر) أوَّل / اُولی (مونث)
دوم	الثّانی / الثّانیهٔ
سوم	الثّالِث / الثّالِثَهٔ
چهارم	الرّابِع / الرّابِعَهٔ
پنجم	الخامِس / الخامِسَهٔ
ششم	السّادِس / السّادسهٔ
هفتم	السّابِع / السّابِعَهٔ
هشتم	الثّامِن / الثّامِنَهٔ
نهم	التّاسِع / التّاسِعَهٔ
دهم	العاشِر / العاشِرَهٔ

اعداد شمارشی	
صفر	صِفر
یک	واحِد
دو	إثنان
سه	ثَلاثَهٔ
چهار	أربَعَهٔ
پنج	خَمسَهٔ
شش	سِتَّهٔ
هفت	سَبعَهٔ
هشت	ثَمانیهٔ
نه	تِسعَهٔ
ده	عَشَرَهٔ

اعداد شمارشی	
یازده	أحَدَ عَشَرَ / إحدی عَشَرَة
دوازده	إثنی عَشَرَ / إثنَتا عَشَرَة
سیزده	ثَلاثَةَ عَشَرَة
چهارده	أربَعَةَ عَشَرَة
پانزده	خَمسَةَ عَشَرَة
شانزده	ستَّةَ عَشَرَة
هفده	سَبعَةَ عَشَرَة
هجده	ثَمانیَةَ عَشَرَة
نوزده	تِسعَةَ عَشَرَة
بیست	عِشرونَ

اعداد شمارشی	
سی	ثَلاثون
چهل	أربَعونَ
پنجاه	خَمسونَ
شست	سِتّونَ
هفتاد	سَبعونَ
هشتاد	ثَمانونَ
نود	تِسعونَ
صد	مِئَه

اعداد ترتیبی	
دویست	مِئَتَین
سی صد	ثلاثَ مِئَة
چهارصد	أربعة مِئَة
پانصد	خَمسَةَ مِئَة
شش صد	سِتّةَ مِئَة
هفت صد	سَبعَةَ مِئَة
هشت صد	ثَمانية مِئَة
نه صد	تِسعَةَ مِئَة
هزار	ألف

ایام هفته	
شنبه	يَومُ السَّبت
یک شنبه	يَومُ الأحَد
دو شنبه	يَومُ الإثنَين
سه شنبه	يَومُ الثُلاثاء
چهار شنبه	يَومُ الأربَعاء
پنج شنبه	يَومُ الخَميس
جمعه	يَومُ الجُمعَة

عزّت حسینی علیه السلام

امسال شما ملاحظه کردید در اربعین حسینی میلیون‌ها انسان در کنار هم قرار گرفتند؛ خود این حرکت عظیم یک جمعی از مسلمانها - البتّه مخصوص شیعه نبود، سنّی‌ها هم بودند - که در دنیا انعکاس پیدا کرد، تعظیم کردند؛ تجلیل کردند؛ آن را بزرگ‌ترین گردهمایی عالم به حساب آوردند؛ چه کسانی؟ آنهایی که دارند مسائل اسلامی را رصد میکنند.

من همین‌جا مناسب میدانم و لازم میدانم به‌مناسبت یاد از آن اجتماع عظیم، از دولت عراق، ملّت عراق، عشایر عراق که در این آزمون بسیار مهم فداکاری کردند، خدمت کردند، کَرم و بزرگواری نشان دادند، تشکّر کنم. حادثه‌ی عجیبی بود حادثه‌ی امسالِ اربعین کربلا. این راه را دشمنان اسلام و دشمنان اهل بیت به خیال خود مسدود کرده بودند. ببینید چه حرکت عظیمی اتّفاق افتاد! وقتی حتّی جسمها در کنار هم قرار میگیرد، این‌جور انعکاس پیدا میکند. اگر ما با هم باشیم، کشورهای اسلامی، ملّتهای مسلمان - سنّی و شیعه و فِرَق مختلف تسنّن و تشیّع - با یکدیگر دلهایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، سوءنیّت نداشته باشند، به یکدیگر اهانت نکنند، ببینید در دنیا چه اتّفاقی خواهد افتاد؛ چه عزّتی برای اسلام درست خواهد شد! وحدت؛ وحدت.

رهبر انقلاب اسلامی
حضرت آیت الله خامنه‌ای
۱۳۹۳/۱۰/۱۹

قال النبی حسین منّی و انا من حسین